

تحلیل حقوقی نظریه های مربوطه

در راستای پذیرش قاعده لاضرر در فقه امامیه و حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۵/۲۶)

بابک تیموری^۱

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

محمد جوادنیا ریک

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه علمی کاربردی تالش

چکیده

قاعده ی لاضرر به معنای نفی ضرر به عنوان یک قاعده فقهی است. قاعده ی لاضرر یکی از قواعد مشهور و مهم است که در باب فقهی کاربرد زیادی دارد و می توان با توجه به منابع چهار گانه فقه به آن استناد کرد، این منابع چهار گانه فقه که شامل: آیات قرآن، دلایل عقلی، روایات و احادیث و سیره عقلایی باشد که بر قاعده ی لاضرر دلالت دارند. برخی از تحلیل گران و محققان تاریخ بشریت می گویند قاعده ی لاضرر تحت عنوان (عدم جواز سوء استفاده از حق) بیان شده است. و همچنین در اصول ۴۰ و ۴۳ قانون اساسی ایران هم آمده است که ضرر رساندن به دیگری ممنوع است. قاعده ی لاضرر با دیگر قواعد فقهی با عنوان قواعد فقه و اصول فقه بحث می شود. امروزه اکثر اساتید دانشگاهی و حقوقدانان برجسته در مورد قاعده ی لاضرر نظریاتی را بیان کرده اند که در این تحقیق به چند مورد از آن ها اشاره خواهیم کرد و نظریات آن ها را بررسی و ارزیابی می کنیم. در این تحقیق ابتدا به پیشینه ی قاعده ی لاضرر و سپس مستندات قاعده ی

^۱ نویسنده مسئول

لاضرر، معنای ضرر و ضرار، نظریه های فقهی قاعده ی لاضرر، نظریه نفی حکم ضرری، نظریه ی ارث وارث مسلم از مورث کافر و ارزیابی آنها و دیگر نظریه ها می پردازیم. این مقاله به صورت تحقیقی، توصیفی و نظری بیان شده و روش گردآوری اطلاعات به دست آمده با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه های حقوقی می باشد. در پایان شایان ذکر است که این مقاله مورد توجه دانشجویان حقوق مفید و موثر واقع شود.

واژگان کلیدی: مبنای مسئولیت مدنی، قاعده ی لاضرر، نفی حکم ضرری، احکام فقهی، نظریه مسئولیت محض

مقدمه

دقت، صحت و حجیت احکام فقهی یکی از مهم ترین ارکان آنهاست و رسالت فقه های اسلام در طول تاریخ، همین بوده است که با طراحی اصول و قواعد دقیق، مستدل و متقن برای تفسیر دین، از گرفتار شدن دین و احکام دینی در دام خرافات، تحریفات و انحرافات پیشگیری کنند؛ ولی علاوه بر این، مطلب دیگری که نباید از آن غفلت شود، میزان کارآمدی و چگونگی کاربرد این قواعد در مرحله عمل است و اگر اهتمام فقها به مبانی نظری و بنیاد های قواعد و احکام اختصاص یابد و از چگونگی به کارگیری و میزان کارآمدی آنها غفلت شود، ممکن است قواعد ارائه شده در عمل، کارآمدی چندانی نداشته باشند و چنین احساس شود که فقه های معظم فرصت گرانبهای خود را صرف کلی گویی و توضیح واضحات می کنند و قواعدی را به طور مداوم به بحث می گذارند که نتیجه چندانی در عمل ندارد و یا در عمل، به اندازه ای با موانع نظری و عملی، تعدد برداشت ها، اختلاف نظر ها و مشکلات مواجه می شود که به تدریج از کارآمدی می افتد و یا حذف

شده و به انزوا کشیده می شود و قواعد عرفی، عقلی و تجربی جای آنها را می گیرد، قاعده ی لا ضرر از جمله قواعدی است که با وجود دقت های بسیار در مبانی و بنیاد ها وجود آثار مبسوط در این باره، از نظر کاربردی و میزان کارآمدی و مبنای مسئولیت مدنی بودن، چندان مورد توجه قرار نگرفته، بحث های مبسوطی درباره آن ارائه نشده است و این تحقیق در صدد پرداختن به این جنبه از قاعده است.

• پیشینه تحقیق

قاعده ی لا ضرر از گذشته، حتی در صدر اسلام، به عنوان قاعده و مبنایی برای نفی احکام ضرری و حرمت اعمال ضرری به اشکال گوناگون مورد استفاده ی فقهای شیعه، بوده است؛ ولی مباحث نظری درباره ی تبیین مبنای آن و تفریع فروعش، ظاهراً از زمان شیخ انصاری (قرن سیزدهم) مرسوم شد و این بزرگوار با بحث نظری از این قاعده در کتاب فرائدالاصول و کتاب مکاسب محرمه، سر حلقه دار مباحث پر دامنه ای در این موضوع شد که در عصر حاضر، به اوج خود رسیده است؛ زیرا با توجه به درسی بودن این دو کتاب در حوزه های علمیه شیعه، انگیزه کافی برای پرورش این موضوع ایجاد شده است و هر فقیهی خود را موظف می بیند تا تحقیقات و بررسی های کافی را در این موضوع انجام و ارائه دهد.

امروزه تقریباً همه فقهای صاحب اثر، بخشی از آثار خود را به بررسی این قاعده اختصاص داده اند و در رساله هایی مستقل یا در مجموعه های قواعد فقهی و یا در کتب اصولی خود، این موضوع را به طور مفصل مورد بررسی قرار داده اند.

علاوه بر این نظریات مختلفی در کتب حقوقی نیز در باب مبنای مسئولیت مدنی مطرح گردیده و مقالات مرتبط با این موضوع توسط محققان انجام شده است، از جمله کتب حقوقدانانی که می توان به آنها اشاره کرد، عبارت است از: مسئولیت ناشی از عیب کاتوزیان و مسئولیت مدنی کالاهای نوشته ی جعفری تبار و

مسئولیت مدنی نوشته ی باریکلو و مسئولیت مدنی صفایی و رحیمی و الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد قاسم زاده و مسئولیت مدنی تولید کنندگان و فروشندگان کالا نوشته ی صادق مددی، در مقالات نیز می توان به مقاله ی گستره کارآمدی قاعده فقهی لاضرر نوشته ی رضائی راد و رویکردی نو برای اثبات جریان قاعده لاضرر در احکام عدمی نوشته ی حسن بادینی و مومنی و مبانی قاعده ی لاضرر از دیدگاه فقهای امامیه نوشته ی ابویی مهریزی و تحول جهانی مسئولیت مدنی به سوی مبنای نفی ضرر نوشته بهرامی احمدی و قاعده ی لاضرر و بهداشت محیط زیست نوشته محمد هادی عبد خدایی اشاره کرد.

• مستندات و مفردات قاعده ی لاضرر

بدون شک، شناخت قواعد فقهی یکی از ضرورتی ترین مسائلی است که طلاب و دانشجویان علوم دینی و حقوقدانان اسلامی و پویندگان راه اجتهاد به آن نیازمند هستند و بدون آگاهی کامل از آن ها، هیچ تلاشی در راه رسیدن به اجتهاد صحیح و فهم حقوق اسلامی به ثمر نمی نشیند. این قواعد فرمول هایی هستند که منشا استنباط قوانین مختلف و متعدد در ابواب مختلف فقه می گردند و اختصاص به مورد خاصی ندارند. (صابری، ۱۳۷۹)

• مستندات قاعده ی لاضرر

قاعده ی لاضرر از اساسی ترین و معروف ترین قواعد فقه اسلامی است و با توجه به مدارک و منابع چهار گانه ی فقه می توان به آن استناد کرد. در اغلب نظام های حقوقی معاصر این موضوع تحت عنوان عدم جواز سوء استفاده از حق مطرح شده است و می توان گفت که منشا عقلی دارد و بنای عقلا بر این قاعده استوار است. از جمله، در حقوق مدنی فرانسه حدود هفتاد سال پیش، در حقوق کامن لا مربوط به انگلستان حدود نود سال پیش و نیز در حقوق آمریکا و کانادا و استرالیا، بحث آن مطرح شده است؛ ولی با وجود همه این ها، اسلام این مسئله را



حدود هزار و چهارصد سال پیش، تحت عنوان (لا ضرر و لا ضرار فی اسلام) مطرح کرده است. (صابری، ۱۳۷۹)

حال ببینیم که ضرر در لغت چه معانی دارد و در این جا به چه معنی است:

۱- ضرر به (نقص در حق) معنی شده است.

۲- عده ای ضرر را به (سوء حال) تفسیر می کنند؛ اعم از این که سوء حال نفس به سبب قلت علم و فضل یا سوء حال بدن به سبب فقدان عضوی از اعضا یا به علت قلت مال و آبرو باشد.

۳- بعضی ضرر را ضد نفع دانسته و فرموده اند: معامله ای که ضرر رساند و غذایی که ضرر رساند و کسی که به دیگری هتک حرمت و اهانت بکند نمی گویند فلانی به دیگری ضرر زد، همچنان که به کسی که تعظیم و تجلیل از دیگری بکند، نمی گویند که به او نفع رساند. می توان گفت جامع معنای ضرر همان (ضیغ) است. یعنی تنگی، شدت، سختی آمده است.

همچنین در معنای ضرر گفته شده: ضرر خلاف نفع است و به حکم عرف و لغت ضرر در اموال، تلف شدن مقداری از مال شخص یا دیگری است؛ چه عین باشد و چه منفعت، بدون عوض و نفعی در مقابل آن، و اگر فعل غیر باشد، عبارت است از اتلاف مقداری از مال خود یا دیگری بدون عوض و نفعی در مقابل آن. پس هر چه صرف و اتلاف آن به خاطر جلب نفع یا عوض حاصل باشد، ضرر محسوب نمی شود و نفع و عوض اعم است از این که دینی باشد یا دنیوی یا به دنیا باشد یا در آخرت و نفع در اموال، حصول زیادت در مالیه است. چه عین باشد چه منفعت، و اگر نفع فعل غیر باشد ایصال آن در زیادت است. (ابویی مهریزی، ۱۳۷۹)

• معنای ضرار

ضرار بر وزن فعال، مصدر باب مفاعله است؛ مانند قتال و جهاد و امثال آن ها و در لغت، دارای معانی مختلفی است که به آن ها اشاره می شود.



۱- ضرار اسم و مترادف ضرر و به همان معنی است و آمدن آن به دنبال ضرر به لحاظ تأکید است.

۲- ضرار به معنای ضیق است.

۳- ضرار به معنی اعمال مجازات بر ضرری است که از جانب دیگری به انسان می رسد . به عبارت دیگر، واکنش بر ضرر را گویند و نیز ضرار را از آن جا که مصدر باب مفاعله است، به معنای ضرر رساندن متقابل دو نفر به یکدیگر است. همچنین معنای دیگر ضرر در مواردی است که شخص به دیگری ضرر برساند و خودش سود ببرد، ولی ضرار در مواردی است که با ضرر رسانیدن به دیگری نفعی عاید خودش نشود.

۴- معنای دیگر اینکه اضرار عمدی است؛ ولی ضرر شامل اضرار عمدی و غیر عمدی هر دو می شود. (ابویی مهریزی، ۱۳۷۹)

• نظریه های فقهی قاعده ی لا ضرر و ارزیابی آنها

وقتی گفته می شود (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) اولین سؤالی که پیش می آید این است که آیا در عالم خارج از اسلام ضرر وجود ندارد؟ قطعاً چنین برداشتی از جمله نادرست است؛ زیرا ما به رای العین می بینیم که در عالم خارج ضرر وجود دارد و افراد بشر به شکل های گوناگون هر روز منشا ایجاد ضرر به یکدیگر می شوند. علاوه بر آن، اگر این طور برداشت شود که در عالم خارج ضرر وجود ندارد، این موضوع چه ارتباطی با شارع پیدا می کند و فلسفه ی صدور آن چه می تواند باشد؟ فقها تلاش کرده اند که با مبانی مختلف مربوط به کیفیت استعمال (لا) در این حدیث، آن را به گونه ای معنا و تفسیر کنند که به نظر شارع اقرب باشد. (حسینی سیستانی، ۱۳۹۶)

• نظریه ی نفی حکم ضرری و ارزیابی آن

مطابق این مبنا، مفاد حدیث (لا ضرر و لا ضرار) نفی حکم است و نه نهی. بدین معنی که شارع مقدس بر اساس این حدیث، هر گونه حکم ضرری را از مکتب اسلام نفی می کند، یعنی من هیچ گونه حکم ضرری و ضراری تشریع نکرده ام، چه در عبادات و چه در معاملات، به تعبیر دیگر (لا ضرر فی الاسلام) یعنی: (لا حکم ضرری فی الاسلام)، در نتیجه، هر حکمی که از ناحیه شارع مقدس صادر و تشریع می گردد اگر مستلزم ضرر باشد یا از جهت اجرای آن ضرری برای مردم حاصل گردد، طبق قاعده لا ضرر از صفحه تشریع مرفوع و برداشته می شود. مثلاً در مورد کسی که آب برایش ضرر داشته باشد، وجوب وضو به موجب قاعده لا ضرر سلب می شود و یا مثلاً اگر معامله غبنی بود، یعنی معامله ای که احدی از طرفین مغبون می گردد و سبب ضرر شد، لزوم معامله که (اصالة اللزوم) به آن حکم می کند به موجب قاعده ی لا ضرر برداشته می شود تا خسارت و ضرر بر مغبون وارد نیاید. در اینجا، معامله به قوت خود باقی است، ولی شخص مغبون خیار فسخ خواهد داشت. (صدری، ۱۳۹۸)

• نظریه ی نفی حکم به لسان نفی موضوع و ارزیابی آن

ایشان می فرمایند، مفاد قاعده لا ضرر نفی حکم به لسان نفی موضوع است. بر اساس این ادعا یعنی شارع مقدس احکامی را که در مورد این موضوع ثابت بوده نفی کرده است به نفی موضوع ادعائاً به لحاظ آثار و احکامش، اگر چه تکویناً وجود دارد. نظایر آن در اخبار و حتی در آیات زیادی آمده است، مثلاً در قرآن مجید آمده است: (ان هذا الا ملک کریم) در صورتی که حضرت یوسف (ع) ملک نبوده، بلکه ادعایی است، به لحاظ اینکه آثار و علائم زیبایی فرشته در او وجود داشت و یا مانند سخن مولا علی (ع) به اهل بصره که فرمودند: ای کسانی که شبیه مرد هستید ولی مرد نیستید، به سبب اینکه در جنگ جمل آثار مردانگی و مروت و



شجاعت در مردم بصره نمی دید. (مهاجری و میرخانی، ۱۳۹۸)

• نظریه ی نفی ضرر غیر متدارک و ارزیابی آن

مطابق این نظر، مفاد حدیث (لا ضرر) نفی ضرر غیر متدارک است به این معنی که شارع مقدس از ضرر غیر متدارک نهی می فرماید که کنایه از وجوب تدارک ضرر است و ضرر متدارک در حکم عدم است و شارع مقدس آن را ضرر نمی داند. سید مصطفی محقق داماد در مقاله ای این قول را به مرحوم نراقی نیز نسبت داده است. مطابق این مبنا، شارع مقدس با این حکم افراد را ملزم به جبران ضرر کرده است، یعنی هر کس موجب ضرر و زیانی نسبت به غیر بشود، جبران آن را باید عهده دار شود و در نظر شارع مقدس موردی نیست که کسی به دیگری ضرری برساند و ملزم به جبران آن نباشد و به اصطلاح ضرر تدارک نشده یا غیر متدارک که ترتیب جبران آن داده نشود در اسلام وجود ندارد که عبارت اخرای (یجب علیک التدارک) است. (بجنوردی، ۱۳۸۹)

• نظریه ی ارث وارث مسلم از مورث کافر و ارزیابی آن

مطابق این مبنا، روایت (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) ناظر به ارث وارث مسلم از مورث کافر است. توضیح اینکه مطابق حدیث: (لا یتوارث اهل ملتین) پیروان دو دین از یکدیگر ارث نمی برند، اگر وارث کافر باشد و مورث مسلمان، و یا اگر وارث مسلمان و مورث کافر، از یکدیگر ارث نمی برند. منتها مفاد حدیث لاضرر این است که وارث، چه کافر باشد و یا مسلمان، از مورث کافر ارث می برد و یا اگر وارث کافر بود و مسلمان شد از مورث کافر خود ارث می برد. زیرا حدیث می گوید: در اسلام ضرری نیست و در نتیجه این فرد که مسلمان شده نباید ضرر کند، ولی برعکس آن، اگر مسلمان کافر شود، از مورث مسلمان ارث نمی برد، بلکه اگر مرتد فطری مرد باشد حکمش قتل است. (عبد خدایی، ۱۳۷۵)

• نظریه ی عدم حکم الزامی و ارزیابی آن

برطبق نظر ایشان (لا) نافیه است اما بر خلاف نظر شیخ اعظم انصاری و آخوند خراسانی معتقد است که فقط در معاملات راه داشته و نه در عبادات و اینکه این عبارت (لاضرر فی الاسلام) معنایش (لا حکم الزامی فی الاسلام) نیست بلکه علاوه بر وجوب و حرمت که معنای الزام است در مباحات نیز جریان دارد. ایشان می فرمایند: (جناب آخوند خراسانی و شیخ اعظم انصاری می فرمایند که منشا ضرر شرع است، ولی ما گفتیم که منشأ ضرر خود مردم هستند و نه شرع. و لذا از نظر ما (لا ضرر) در عبادات جاری نیست، ولی در معاملات که ضرر از جانب خود مردم است جاری می باشد. (بجنوردی، ۱۳۸۹)

• تعارض قاعده ی لا ضرر و تسلیط

در تعارض قاعده ی لا ضرر با قاعده ی تسلیط (سلطنت)، چه باید کرد؟ توضیح این که قاعده ی لا ضرر حکم ضرری را رفع می کند، اعم از این که حکم تکلیفی و یا وضعی باشد. قاعده ی سلطنت هم از جانب شارع برای مالکان در اموال و املاکشان جعل شده است. حال اگر لازمه ی سلطنت شخصی ضرر به شخص دیگر باشد، آیا قاعده ی لا ضرر می تواند این سلطنت را رفع نماید؟ قول مشهور این است که خیر، قاعده ی لا ضرر سلطنت ضرری را رفع نمی کند؛ بلکه از شیخ طوسی و ابن ادریس حلی و ابن زهره ادعای عدم خلاف در این مسئله شده است. در عین حال، باید دانست که دامنه ی قاعده ی تسلیط نا محدود نیست و این حکم به صورت مطلق مورد قبول واقع نمی شود، بلکه در موارد معینی قاعده لا ضرر سلطنت ضرری را رفع می کند. (حیدری، ۱۳۷۹)

• نظریه ی تقصیر

تقصیر در لغت از قصر و به معنای کوتاه کردن و یا کوتاهی کردن آمده است. در کتاب ترمینولوژی لنگرودی آمده: تقصیر یعنی خودداری از انجام عملی با وجود



توانایی صورت دادن آن عمل. مبنای نظریه ی تقصیر این فکر بود که انسان در جایی مسئول است که خطا یا تقصیری مرتکب شده باشد و به تعبیری دیگر، مسئولیت انسان در جایی است که احساس ناراحتی وجدان کند و از نظر اخلاقی مسئول باشد. در این مورد بین مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی وحدت مبنا بود. (صابری، ۱۳۷۹)

نتیجه گیری

از کلیه ی مباحث گفته شده، مطالب زیر نتیجه گیری و جمع بندی شده و پیشنهاداتی نیز داده شده است:

۱- با توجه به رشد روز افزون جوامع بشری و پیشرفت آن، ناکارآمدی نظریه ی (تقصیر) که مبنای مسئولیت مدنی است آشکارتر می شود، نظریه ای که وام دار حقوق رم بوده و بعد از انقلاب فرانسه، در سال ۱۸۰۴ میلادی در کشور فرانسه تصویب گردید و سپس به دیگر کشورها راه یافته، حقوقدانان اروپایی و ایرانی نیز به ناکارآمدی این نظریه اذعان دارند و سیر تحولی حقوق اروپا نشان دهنده ی تعدیل این نظریه و یا حتی حذف آن است.

۲- در حقوق اسلامی نیز قاعده ی لا ضرر به معنای نفی ضرر به عنوان یک قاعده ی فقهی در حدود ۱۴۰۰ سال پیش توسط رسول اکرم (ص) در ماجرای سمره بن جندب مطرح شده، حال بحث شده است که با توجه به گرایش های جدید حقوقی مبنی بر حذف نظریه ی تقصیر، قاعده ی لا ضرر چگونه می تواند مبنای مسئولیت مدنی باشد.

از آنجا که قاعده ی لا ضرر قاعده ای فقهی است لازم می آید که نظر شارع مقدس از آن حاصل گردد و براساس نظر شارع قاعده تفسیر گردد، به نظر می رسد تفسیر نهی ثانوی و سلطانی، نظر شارع مقدس از این روایت بوده، چرا که قول و رفتار پیامبر در قضیه سمره در جهت رفع مزاحمت و ظلم و تعدی سمره



نسبت به مرد انصاری بوده که بر اساس شئونات حکومتی و اجرایی ایشان بوده، بنابراین این نهی، نهی در اجرا و حکومت و از احکام ثانویه است، در نتیجه قلمرو قاعده بسیار محدود بوده و در غیر این مورد باید به سراغ قواعد دیگر رفت. در نتیجه این تفسیر اشکال دیگر تفاسیر را ندارد.



منابع و مأخذ

- ۱- ابوبی مهریزی، حسین (۱۳۷۹). مبنای قاعده ی لاضرر از دیدگاه فقههای امامیه، کاوش نامه ی علوم اسلامی
- ۲- آخوند خراسانی، ملامحمد کاظم (۱۴۰۱). کفایه الاصول، قم، موسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث
- ۳- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱). پیدایش شکل های جدید خانواده در تهران، مجله جامعه پژوهشی فرهنگی
- ۴- بجنوردی، میرزا (۱۳۸۹). القواعد الفقهیه، جلد اول، نجف، مطبعه الاداب
- ۵- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰). تحول جهانی مسئولیت مدنی به سوی مبنای نفی ضرر، فصلنامه حقوقی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی
- ۶- حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۳۹۶). قاعده لاضرر و لاضرار، چاپ دوم، مترجم: اکبر نایب زاده، انتشارات خرسندی
- ۷- حیدری، کمال (۱۳۷۹). لاضرر و لاضرار، چاپ اول، انتشارات دارالصادقین
- ۸- رشاد، محمد (۱۳۶۶). اصول فقه، جلد اول، انتشارات قبال
- ۹- صابری، حسن (۱۳۷۹). استصلاح و پویایی فقه، مجله ی دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی
- ۱۰- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۴). رساله توضیح المسائل نوین، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی
- ۱۱- صدری، محمد (۱۳۹۸). اصول فقه، چاپ اول، انتشارات خردنگار
- ۱۲- عبد خدایی، محمد هادی (۱۳۷۵). قاعده ی لاضرر و بهداشت محیط زیست، نشریه ی مطالعات اسلامی
- ۱۳- قافی، حسین و سعید شریعتی (۱۴۰۱). اصول فقه کاربردی، انتشارات سمت
- ۱۴- قدیری، حسین (۱۳۹۸). لاضرر و تطبیقات آن در فقه، چاپ اول، موسسه



بوستان کتاب

۱۵- قشلاقیان، بهزاد (۱۴۰۲). متون فقه به روش ساده، چاپ اول، تهران،

دادآفرین

۱۶- کرمانی، فاطمه (۱۳۹۹). ارزیابی نظریه های فقهی قاعده ی لاضرر و بررسی

امکان تلقی آن به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران

۱۷- محمودی، فیروز (۱۳۸۲). اصول شیوای جرم انگاری، دانشکده ی حقوق و

علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱۸- معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی، چاپ پانزدهم، انتشارات امیر کبیر

۱۹- ملکوتی، رسول (۱۳۹۸). درآمدی بر اصول فقه، چاپ اول، مجمع علمی و

فرهنگی مجد

۲۰- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۶۴). عقل یکی از ادله اربعه، مجله ی مطالعات

حقوقی و قضایی

۲۱- مهاجری، مریم و عزت السادات میرخانی (۱۳۹۸). ظرفیت فقهی قاعده

لاضرر در رفع ضرر و زیان ناشی از روابط زوجین، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام

صادق (ع)

۲۲- Prosser . (William L .) Law Of Torts . West Publishing Co. Third Edition . ۱۹۶۴ .

۲۳- Mazeaud (Henri . Leon) . Lecon De Droit Civil . Paris ۱۹۷۸ .

۲۴- Savatier (Rene) La Theorie Des Obligations Vision Juridique Et Economique ۳e Ed Paris . ۱۹۷۴ . Traite De La Responsabilite En Droit Francais .